

موضوع ۱۱

مرور کلی موضوع

در مقطعی از روابط خود با دوستان غیرایماندار مان، این وظیفه روحانی را بر عهده خواهیم داشت که با معرفی انجیل، فرصتی را جهت ایمان آوردن آنان به مسیح فراهم آوریم. هنگامی که مترصد فرصتی هستیم تا انجیل را با دوستانمان در میان گذاریم، باید زمان را دریابیم. هدف ما باید این باشد که هوشیارانه با عمل روح القدس در زندگی آنها همکاری نماییم، نه اینکه وقتی که هنوز آماده نیستند آنها را وادار به تصمیم‌گیری کنیم.

در این مطلب ما:

- اهمیت در میان گذاشتن انجیل با افراد آماده برای پاسخگویی و دعوت از آنها برای سپردن زندگی خود به مسیح را بررسی می‌نماییم.
- خواهیم دید چگونه می‌توان یک گفتگو را ارزیابی کرده، تشخیص داد آیا شخص نسبت به پرسشی چالش‌آمیز که می‌تواند او را به سوی تصمیم‌گیری برای پذیرش مسیح سوق دهد، پذیرا هست یا خیر.
- پرسش‌های را طراحی می‌کنیم که شما می‌توانید با خیالی آسوده از دوست خود پرسیده، تعیین نمایید آیا او آمادگی شنیدن انجیل را دارد یا خیر.

هضم موضوع

چگونه باید انجیل را با دوستان غیرایماندار خود در میان گذاریم؟ چگونه می‌توان موضوع را مطرح و سر صحبت را باز کرد؟ برای اینکه تشخیص دهیم آیا آمادگی شنیدن صحبت‌های ما را دارند یا نه، در واکنش‌های آنها چه شواهدی را باید دنبال کنیم؟ چگونه می‌توانیم دیگران را به پذیرش مسیح دعوت کنیم بدون آنکه آنها احساس کنند تحت فشار قرار گرفته‌اند؟

کوچک ولی مقوی

(بیاناتی هستند که شما را در رابطه با مطلب به فکر وا خواهند داشت. این بیانات ممکن است در چارچوب تفکر کتابمقدس بگنجد و یا نگنجد.)

«تلاش برای تحت فشار قرار دادن مردم برای پذیرش مسیح نقش روح القدس را تضييع می کند. متقاعد کردن مردم نسبت به نیازشان کار اوست. ما فقط باید منتظر نتیجه عمل او شویم.»

«پیش رفتن در ارتباط با دیگری تا جایی که بتوان ایمان خود را با وی در میان گذاشت، اهمیت زیادی دارد. دلیل اصلی که اساساً ما با دیگران رابطه برقرار می کنیم همین مسئله است.»

«مشکل اکثر مردم هنگام در میان گذاشتن ایمانشان با دیگران از آنجا ناشی می شود که آنها مانند فروشنده هایی بنظر می رسند که در فکر انجام معامله هستند. ما باید خود را عقب کشیده، اجازه دهیم مردم راحت تصمیم بگیرند.»

«مسیحیان باید بر ترسهای خود غلبه کرده و یاد بگیرند به جای تحیر در مورد اینکه آیا مردم آمادگی شنیدن انجیل را دارند یا نه، خبر خوش را با آنها در میان گذارند. آنها نیاز دارند این خبر را بشنوند.»

«ما باید نسبت به جای افراد در سفر ایمانشان هوشیار باشیم. آنها احتیاج دارند انجیل را هنگامی از زبان ما بشنوند که در پذیراترین حالت هستند.»

نمونه جهت مطالعه

رامین

رامین تقریباً یک سال است که با رضا رابطه ای دوستانه برقرار کرده است. آنان دوستانی نزدیک شده و بارها رامین فرصت یافته از ارتباط خود با مسیح سخن بگوید. در ابتدا، رضا از بحث در مورد این موضوع کمی مردد بنظر می رسید، بنابراین رامین هر بار که از سوی رضا مقاومت را احساس می کرد

خود را عقب می‌کشید. استراتژی رامین این بود که آنقدر بذر روحانی بکارید تا روزی قادر شود انجیل را به تمامی با رضا در میان گذارد. با این وجود اخیراً رضا بارها در مورد موضوعات روحانی از او سؤال پرسیده است. بنظر می‌رسد رضا به مسائل روحانی علاقمندتر شده، اما رامین در این مورد مطمئن نیست. رامین برای راهنمایی نزد شما می‌آید، با این سؤال که آیا الان زمان مناسبی برای بشارت دادن انجیل به رضا هست یا نه. او از اینکه رضا را برنجانند بیم دارد، لیکن از این مطلب نیز نگران است که در زمانی که رضا در جستجوی یافتن جوابی برای پرسش‌های خود است فرصت را از دست بدهد. چگونه او را راهنمایی می‌کنید؟

پرسش اساسی موضوع پیش روی شما چیست؟

مطالعه کتاب مقدس

رومیان ۱۰: ۸-۱۰

«لکن چه می‌گویید؟ اینکه «کلام نزد تو و در دهانت و در قلب تو است یعنی این کلام ایمان که به آن وعظ می‌کنیم. زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود بجهت نجات.»

در این بخش از رساله رومیان، پولس در مورد قوم یهود که اکثراً عیسی را به عنوان مسیح نپذیرفته بودند می‌نویسد. آنها به جای آنکه ایمان خود را بر خداوند استوار سازند، اشتهاً بر اطاعت از شریعت به عنوان طریقی برای ارتباط با خدا تمرکز نموده بودند. پولس صحبت خود را با تشریح اهمیت اعلام حقیقت انجیل که مبتنی است بر اینکه نجات فقط از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود، ادامه می‌دهد.

پولس گامهایی را که مردم می‌توانند در جهت ایمان آوردن به مسیح بردارند ترسیم می‌نماید (آیات ۱۴ و ۱۵). این گامها کدامند؟

چرا هنگام بشارت ایمان دانستن این گامها حائز اهمیت است؟

چگونه این بخش شما را در جهت برداشتن گامهای شجاعانه برای آشنا ساختن دوستانتان با مسیح به چالش می‌کشد؟

اعمال ۲۶: ۱-۲۹

«اغریپاس به پولس گفت: «مرخصی که کیفیت خود را بگویی. ^۲ که «ای اغریپاس پادشاه، سعادت خود را در این می‌دانم که امروز در حضور تو حجت بیاورم، درباره همه شکایتهایی که یهود از من می‌دارند، مخصوص چون تو در همه رسوم و مسایل یهود عالم هستی، پس از تو مستدعی آنم که تحمل فرموده، مرا بشنوی. ^۳ رفتار مرا از جوانی چونکه از ابتدا در میان قوم خود در اورشلیم بسر می‌بردم، تمامی یهود می‌دانند ^۴ و مرا از اول می‌شناسند هر گاه بخواهند شهادت دهند که به قانون صالحترین فرقه دین خود فریسی می‌بودم. ^۵ و الحال به سبب امید آن وعده‌ای که خدا به اجداد ما داد، بر من ادعا می‌کنند. ^۶ و حال آنکه دوازده سبط ما شبانه روز به جد و جهد عبادت می‌کنند محض امید تحصیل همین وعده که بجهت همین امید، ای اغریپاس پادشاه، یهود بر من ادعا می‌کنند. ^۷ شما چرا محال می‌پندارید که خدا مردگان را برخیزاند؟ ^۸ من هم در خاطر خود می‌پنداشتم که به نام عیسی ناصری مخالفت بسیار کردن واجب است، ^۹ چنانکه در اورشلیم هم کردم و از روسای کهنه قدرت یافته، بسیاری از مقدسین را در زندان حبس می‌کردم و چون ایشان را می‌کشتند، در فتوا شریک می‌بودم. ^{۱۰} و در همه کنایس بارها ایشان را زحمت رسانیده، مجبور می‌ساختم که کفر گویند و بر ایشان به شدت دیوانه گشته تا شهرهای بعید تعاقب می‌کردم. ^{۱۱} در این میان هنگامی که با قدرت و اجازت از روسای کهنه به دمشق می‌رفتم، ^{۱۲} در راه، ای پادشاه، در وقت ظهر نوری را از آسمان دیدم، درخشنده‌تر از خورشید که در دور من و رفقایم تابید. ^{۱۳} و چون همه بر زمین افتادیم، هاتقی را شنیدم که مرا به زبان عبرانی مخاطب ساخته،

گفت: «ای شاول، شاول، چرا بر من جفا می‌کنی؟ تو را بر میخها لگد زدن دشوار است.»^{۱۵} من گفتم: «خداوند! تو کیستی؟» گفت: «من عیسی هستم که تو بر من جفا می‌کنی.»^{۱۶} و لیکن برخاسته، بر پا بایست زیرا که بر تو ظاهر شدم تا تو را خادم و شاهد مقرر گردانم بر آن چیزهایی که مرا در آنها دیده‌ای و بر آنچه به تو در آن ظاهر خواهم شد.^{۱۷} و تو را رهایی خواهم داد از قوم و از امت‌هایی که تو را به نزد آنها خواهم فرستاد،^{۱۸} تا چشمان ایشان را باز کنی تا از ظلمت به سوی نور و از قدرت شیطان به جانب خدا برگردند تا آموزش گناهان و میراثی در میان مقدسین بوسیله ایمانی که بر من است بیابند.»^{۱۹} آن وقت ای آگریپاس پادشاه، رویای آسمانی را نافرمانی نورزیدم.^{۲۰} بلکه نخست آنانی را که در دمشق بودند و در اورشلیم و در تمامی مرز و بوم یهودیه و امت‌ها را نیز اعلام می‌نمودم که توبه کنند و به سوی خدا بازگشت نمایند و اعمال لایقه توبه را به‌جا آورند.^{۲۱} به سبب همین امور یهود مرا در هیکل گرفته، قصد قتل من کردند.^{۲۲} اما از خدا اعانت یافته، تا امروز باقی ماندم و خرد و بزرگ را اعلام می‌نمایم و حرفی نمی‌گویم، جز آنچه انبیا و موسی گفتند که می‌بایست واقع شود،^{۲۳} که مسیح می‌بایست زحمت بیند و نوبت قیامت مردگان گشته، قوم و امت‌ها را به نور اعلام نماید.^{۲۴} چون او بدین سخنان، حجت خود را می‌آورد، فستوس به آواز بلند گفت: «ای پولس دیوانه هستی! کثرت علم تو را دیوانه کرده است!»^{۲۵} گفت: «ای فستوس گرامی، دیوانه نیستم بلکه سخنان راستی و هوشیاری را می‌گویم.^{۲۶} زیرا پادشاهی که در حضور او به دلیری سخن می‌گویم، از این امور مطلع است، چونکه مرا یقین است که هیچ‌یک از این مقدمات بر او مخفی نیست، زیرا که این امور در خلوت واقع نشد.^{۲۷} ای آگریپاس پادشاه، آیا به انبیا ایمان آورده‌ای؟ می‌دانم که ایمان داری!»^{۲۸} آگریپاس به پولس گفت: «به قلیل ترغیب می‌کنی که من مسیحی بگردم؟»^{۲۹} پولس گفت: «از خدا خواهش می‌داشتم یا به قلیل یا به کثیر، نه تنها تو بلکه جمیع این اشخاصی که امروز سخن مرا می‌شنوند مثل من گردند، جز این زنجیرها!»

پولس در اورشلیم از طرف یهودیانی که مخالف انجیل و خدمت پولس در میان غیریهودیان بودند مورد حمله قرار می‌گیرد (اعمال ۲۱: ۲۷-۲۸). رومیان او را دستگیر می‌کنند تا از شورش پیشگیری کرده و برای اجتناب از توطئه یهودیان برای کشتن او، وی را به نزد قیصر اعزام می‌نمایند. در طول محاکمه در حضور والی رومی، پولس درخواست می‌کند که سخنان خود را به عرض قیصر برساند (اعمال ۲۵: ۱-۱۲). وی به عنوان یک شهروند رومی از چنین حقی برخوردار بود. در حالی که پولس منتظر بود تا برای محاکمه به روم سفر کند، والی عوض شد. والی جدید بنام فستوس از سوی پادشاه همسایه خود آگریپاس مورد بازدید قرار گرفته، و آنها درباره مسئله پولس با هم گفتگو نمودند. آگریپاس خواستار

آن شد که سخنان پولس را بشنود، بنابراین پولس به حضور پادشاه و والی آورده شد. او برای آنان دلیل دستگیری خود و پیامی که موعظه کرده و در میان یهودیان سبب چنان خشمی شده بود را توضیح داد.

در این آیات پولس چند بار به دانش قبلی آغریپاس در مورد مسیح و متون عهد عتیق متوسل می‌شود؟ فکر می‌کنید دلیل این امر چیست؟

هنگامی که پولس داستان خود را تعریف می‌کند بر چه مفاهیم و ایده‌هایی تمرکز می‌نماید. چه موضوعاتی مرتباً در دفاع او تکرار می‌شوند؟

چرا پولس از آغریپاس می‌پرسد که آیا او به انبیاء ایمان دارد (آیه ۲۷)؟ او تلاش دارد چه چیزی را ثابت نماید؟

آغریپاس از پولس پرسید، "به قلیل ترغیب می‌کنی که من مسیحی بگردم؟" پولس در سخنرانی خود چگونه سعی کرد او ترغیب نماید؟

در رومیان ۱۰ پولس چگونه برخی از اصول را الگوسازی می‌کند؟

دیگر منابع

«پیام شخصی شما برای بشارت»، به قلم ژوزف سی آلد ریچ.

فصل یازدهم از کتاب «بشارت به عنوان شیوه زیستن»، چاپ ۱۹۹۴

از کتاب «بشارت به عنوان شیوه زیستن» به قلم جوزف آلدریچ

زمان در میان گذاشتن «کلام» انجیل فرا رسیده است. در این نقطه، معروف است که مسیحیان دچار تشویش می‌گردند. آنها بزرگترین، مهمترین و زندگی عوض کننده‌ترین راز جهان را می‌دانند و وقتی که زمان گفتن فرا می‌رسد، از حرکت باز می‌مانند. به عنوان سفیران مسیح، آنها امتیاز رساندن بهترین خبری را دارند که یک شخص ممکن است دریافت نماید. بنظر می‌رسد که پس از تجربیات، یکی از رضایت بخش‌ترین و مطلوب‌ترین چیزها در زندگی در میان گذاشتن خبر خوش باشد. در واقع، این مسئله یکی از مواردی است که اغلب مسیحیان از آن وحشت داشته و بهر قیمتی شده از آن اجتناب می‌کنند.

دلایل متعددی برای این عکس‌العمل وجود دارد. اجازه دهید دو تا از آنها را ذکر کنم. بسیاری از مسیحیان نمی‌دانند چطور ایمان خود را با دیگران در میان گذارند. آنها هرگز به خود زحمت فراگیری معرفی منطقی انجیل مطابق با کتاب مقدس را نداده‌اند. مانع دوم عبارت است از اینکه در بسیاری از مواقع فرد مسیحی شخصی را که به او «بشارت» می‌دهد نمی‌شناسد. در نتیجه، تجربه شهادت دادن اغلب برای هر دو طرف خجالت‌آمیز می‌گردد.

من به دفعات در مورد مسیح با افراد کاملاً غریبه صحبت کرده، و شاهد عکس‌العمل مثبت برخی از آنان بوده‌ام. خدا را برای وجود آنهایی که تحت چنان شرایطی به مسیح اعتماد می‌کنند شکر می‌کنم! متأسفانه فقط درصد کوچکی از مردم از طریق اینگونه رویارویی‌ها ایمان می‌آورند. هدف ما این است که اکثریت ایمانداران را به سوی دخیل شدن در امر بشارت به عنوان راهی برای زندگی بسیج کنیم. بشارت به شیوه طبیعی رضایت‌بخش‌ترین گزینه را برای تعداد کثیری از ایمانداران فراهم می‌آورد. به عنوان یک قانون عمومی، آسانتر است که ایمان خود را با یک دوست در میان گذارید و ثابت شده که چنین موقعیتی مسرت‌بخش خواهد بود. هرگاه دوستی دیگر به مسیح ایمان می‌آورد اغلب اشک بر گونه‌های من جاری می‌شود. چه موقع در یک رابطه به نقطه‌ای رسیده‌ایم که برای معرفی انجیل و دعوت به تصمیم‌گیری مناسب بوده است؟ و هنگامی که به این نقطه می‌رسیم چه باید بگوییم؟ در صفحات آتی سعی من بر این خواهد بود که پاسخهایی برای این پرسش‌ها ارائه دهم.

تعیین آمادگی برای معرفی انبیل

از کجا می‌دانید چه موقع به این نقطه تصمیم‌گیری می‌رسید؟ اجازه دهید با پرسیدن چند سؤال به این پرسش پاسخ گویم.

- ۱- در مورد زمینه مذهبی شخص چه می‌دانید؟
- ۲- برای «کاشتن بذر» چه فرصتهایی داشته‌اید؟ عکس‌العمل شما نسبت به این ایده‌های نهال مانند چه بود؟
- ۳- آیا احساس می‌کنید همسایه شما از بودن با شما لذت می‌برد؟
- ۴- چه نیازهایی را کشف نموده‌اید که به انجیل به عنوان راه حل ارتباط پیدا می‌کند؟
- ۵- چه تصاویر غلطی را توانسته‌اید از انبار مهمات پرسش‌ها و بهانه‌های شخص حذف کنید؟
- ۶- چه نشانهایی را در شخص یافته‌اید که از آمادگی برای شنیدن حکایت دارد؟
 - الف) پرسشی در مورد مسائل مذهبی
 - ب) تمایل برای بحث در مورد مفاهیم مذهبی
 - ج) آمادگی فکری برای مطالعه مطالب مورد بحث و منابع دیگر
 - د) رغبت برای درگیر شدن در رویدادهای وسایط برداشت
 - ه) منش کاوشگر مثبت
- ۷- تا چه اندازه فرصت داشته‌اید شهادت شخصی خود را با دیگران در میان گذارید؟

بدیهی است که این پرسش‌ها بسادگی اهرم‌هایی هستند که شما را یاری می‌دهند تا به این حس عمومی برسید که زمان مناسب فرارسیده است. حساس بودن شما نسبت به وقت‌شناسی اهمیت دارد. تعهدی شناخته شده در میان فروشندگان گویای مطلب می‌باشد. "من شروع به سخن گفتن در مورد راه‌حل خود نخواهم کرد مگر آنکه مطمئن شوم مشتری مشتاق شنیدن آن است." بیاد داشته باشید، این روح خداست که انسانها را در مورد گناه، صالح شمردگی و عدالت متقاعد می‌سازد. یک مبشر کارآمد در ارتباطی توأم با تشریک مساعی با خدا قرار دارد. عدم حساسیت یا قصور در صبر برای مشاهده علایم حرکت روح در زندگی غیرایماندار سبب مختل شدن کار خدا می‌گردد.

پرسش سفر روحانی

اجازه دهید فرض را بر این بگذاریم که شما احساس می‌کنید دوستان به نقطه تصمیم‌گیری در مورد نجات نزدیک می‌شود. شما در مورد گذشته، نیازها و تصاویر غلطی او چیزهایی می‌دانید. مرحله بعد کدام است؟ عموماً وقت آن است که برای محک‌زدن شرایط چند سؤال کلیدی بپرسید. «سؤال جادویی» وجود ندارد، اما من این سؤال را مفید یافته‌ام. من آن را «پرسش سفر روحانی» خود می‌نامم. «بیل، ما هرگز فرصت آن را نداشته‌ایم که در مورد زمینه مذهبی تو گفتگو کنیم. تو در سفر روحانی خود در چه مرحله‌ای قرار داری؟» به چند نکته نهفته در این سؤال توجه کنید. اول، این واقعیت را تایید می‌نماید که آمدن بسوی خدا شامل فرآیندی عادی (اما فوق طبیعی) است. بنابراین فرد احساس می‌کند بودن در این فرآیند ایرادی ندارد.

این سوال نمی‌پرسد آیا شخص مسیحی است یا نه. اگر این را بپرسید، اغلب مردم می‌گویند «بله»، زیرا در واقع نمی‌دانند مسیحی بودن به چه معناست. بنابراین، هدف بشارتی شما این می‌شود که ثابت کنید جواب «بله» آنها غلط است.

سوال فوق به اندازه کافی عمومی است که پاسخ بدون خجالت‌زدگی را ممکن نماید. هیچ کس دلش نمی‌خواهد در محظورات قرار گیرد. سؤال به فرد این امکان را می‌دهد که پاسخی متناسب با «ناحیه راحت» الهیاتی خود برگزیند. جواب وی می‌تواند به هر اندازه که خود او مایل است ساده یا ژرف باشد. امتیاز عمده پرسش سفر روحانی در این واقعیت نهفته است که به شما فرصتی نهایی جهت ارزیابی روحانی می‌دهد. در همان حال که به دقت به جواب گوش فرا می‌دهید، تصمیم آخر را می‌گیرید که آیا در همان وقت خبر خوش فیض نجات‌بخش را با وی در میان گذارید یا خیر.

این واقعیت که شما به فرد اجازه داده‌اید مسایل مربوط به سفر روحانی خود را با شما در میان گذارد، به شما امتیازی ظریف عطا می‌نماید. این امر فرد را مستعد می‌نماید که در وقت مناسب به شما گوش فرا دهد. وقتی آمادگی در میان گذاشتن انجیل را کسب نمودید، مایلید بیشتر وقت گفتگو را به خود اختصاص دهید. اجازه دهید اول او صحبت کند. در مقابل وسوسه برای پریدن به میان محاوره و پرداختن به مسائل جانبی مقاومت کنید. اگر او معتقد است کلیسایش تنها کلیسای واقعی بوده که تعمیم درست را ارائه داده و ایمانداران واقعی تربیت می‌کند، بر سر این موضوع بحث نکنید.

فقط گوش کنید! صحت دیدگاه‌های ارزشمند او را تصدیق نمایید، زیرا بزودی مجبور خواهید شد نقطه‌نظرات وی را در بخشهای حساس مورد چالش قرار دهید.

یک سؤال مرتبط مفید خواهد بود. "آیا سفر روحانی تو به نقطه سپردن تعهد شخصی به عیسی مسیح رسیده، یا هنوز در راه هستی؟" تجربه من این بوده که وقتی مردم شروع به صحبت در مورد وضعیت فعلی سفر روحانی خود نمایند، خیلی زود شما به تمامی اطلاعات مورد نیاز برای مرحله بعد دست خواهید یافت. در جواب به «پرسش سفر روحانی» پاسخ بسیاری چنین بوده است، «من هنوز در راه هستم». عالی است! در اینکه مرحله من معمولاً می‌گویم، "خوب، بیل، ممکن است مرحله بعدی که خداوند برای تو در نظر گرفته رسیدن به این درک باشد که چطور با او رابطه‌ای شخصی و نجات‌بخش بنا کنی."

ایجاد فرصت

از آنجایی که هدف سفر روحانی این است که ابتدا فرد باورهای مذهبی، احساسات و نگرانیهای خود را بیرون بریزد، معمولاً متوجه می‌شوم که برای من زمان اندکی باقی می‌ماند. نتیجتاً، در طول مدت بحث بذرهایی را می‌کارم که جهت زمینه‌سازی برای گفتگوی بعد طراحی شده‌اند. ما اینرا «ایجاد فرصت» خواهیم نامید. من گذر از سؤال در مورد سفر روحانی به ایجاد فرصت را مفید یافته‌ام. به این ترتیب: «دل‌م می‌خواهد در وقت مناسبی از فرصت استفاده کرده تا اصول چهارگانه‌ای را با تو در میان گذارم که ترا قادر به درک معنای ایجاد ارتباط با مسیح می‌سازد.» لختی بعد در طول گفتگو ممکن است فرصت را به این ترتیب ایجاد نمایم، "بیل، من می‌توانم درک کنم چرا تو مذهب را با تمام تشریفات و ریاکاری آن رد می‌کنی. وقتی مجال بدست آورم که این اصول را با تو در میان گذارم، احتمالاً آنها به تو کمک خواهند کرد در این زمینه پاسخی برای پرسشهای خود بیابی."

من در بعضی از محاورات پنج یا شش بار از فکر بحث بیشتر صرف نظر کرده‌ام. عکس‌العملها نسبت به این پیشنهاد تکراری را باید مشاهده کرده و بدرستی تفسیر نمود. این اصطلاحاً چراغ سبز یا قرمز شما خواهد بود. در اینجا ممکن است فکر کنید چنین روشی بیراهه، انسانی و غیرضروری است. بر عکس، کتاب مقدس به ما می‌آموزد که مرواریدها را پیش گرازان نیندازیم. تفسیر آن این است، خداوند در کنار مطالب دیگر می‌گوید که بسیاری شنوندگان اهمیت بسیاری دارد. او زمانی که قلبها را سخت می‌یابد از انجام معجزات امتناع می‌نماید. حساسیت نکته‌ای است می‌خواهم مورد تاکید قرار دهم. این بخشی است از «هوشیار بودن چون مارها».

باید همیشه انتظار این مسئله را داشته باشید: هنگامی که مشغول بحثهای روحانی می‌شوید، تمام قدرت‌های جهنمی وارد عمل می‌شوند تا تلاشهای شما را خنثی سازند. لازم است که ما کاملاً مهیا

بوده، ابزارهای بُرابی باشیم که روح القدس بتواند بطور موثر و قاطع بکار گیرد. من طریقی عادت وار و مکانیکی را برای برخورد با مردم پیشنهاد نمی‌کنم. اینها اصول عمومی هستند که باید متناسب با موقعیتهای ویژه و متغیر تطبیق داده شوند. هیچ سفر روحانی بسوی خدا تمامی این عناصر را در بر نخواهد داشت.

پرسش علاقمندی

من مشاهدات کرده‌ام هنگامی که وقت بحث اولیه به پایان می‌رسد، تغییر ایجاد به یک پرسش مفید خواهد بود.

پرسش سفر روحانی: در سفر روحانی خود در چه مرحله‌ای قرار داری؟

ایجاد فرصت: دلم می‌خواهد در وقت مناسبی از فرصت استفاده کرده، اصول چهارگانه‌ای را با تو در میان گذارم که به تو در درک معنای داشتن یک ارتباط شخصی با خدا کمک می‌نمایند.

پرسش علاقمندی: می‌توانم آن اصول چهارگانه را با تو در میان گذارم؟

اکنون این پیشنهاد مودبانه به مخاطب شما اجازه سخن گفتن می‌دهد. نوبت پاسخگویی اوست.

پرسش برنامه ریزی

اگر جواب پرسش علاقمندی مثبت باشد ("بله، ممنون می‌شوم اگر اینکار را بکنید،" یا "بنظر جالب می‌آید،" و غیره)، مرحله اساسی بعدی برنامه‌ریزی خواهد بود. آیا اصول را اکنون در میان بگذارید یا بعداً؟ اگر بعداً، طرح چند پرسش برنامه‌ریزی مفید خواهند بود

"بهترین زمان برای آنکه دوباره با هم صحبت کنیم چه موقع است؟"

"آیا صبح برای شما مناسب است؟"

"چهارشنبه برای شما بهتر است یا جمعه؟"

"نظرتان در مورد آمدن به دفتر کار (خانه، و غیره) من و ادامه صحبت چیست؟"

وقتی که در مورد وقت توافق حاصل شد، شادی کنید! برنامه‌ریزی برای برداشت محصول انجام شد. ماهی پرورشی شناسایی و آماده شده و در شرف برداشتن مهمترین گام زندگی خود است. تولدی نو، آغازی به تازگی خود تولد در شرف وقوع است.

تشریح فرصت

پس از برنامه‌ریزی در مورد زمان و مکان، مرحله کلیدی عمده بعدی تشریح فرصت واقعی است. در این مرحله خود انجیل (اصول چهارگانه یا هر تشریح دیگری از انجیل که شما ترجیح می‌دهید) شرح داده می‌شود. باقیمانده فصل پس از تجزیه مراحل گفتگو، بر چگونگی خلاصه‌سازی و ارائه انجیل متمرکز خواهد بود.

پرسش تصمیم‌گیری

پس از آنکه انجیل به روشنی بیان شد، پرسشهای تصمیم‌گیری قدم منطقی بعدی خواهند بود. در اینجا ما به سادگی از فرد می‌خواهیم که حقیقت را مجسم نماید. من اغلب در این مرحله سه سؤال را مفید می‌یابم.

۱- آیا این (انجیل) به نظر تو منطقی می‌آید؟

۲- بر اساس معرفی ارائه شده از انجیل، آیا توانسته‌ای مسیح را به عنوان منجی خود بپذیری؟

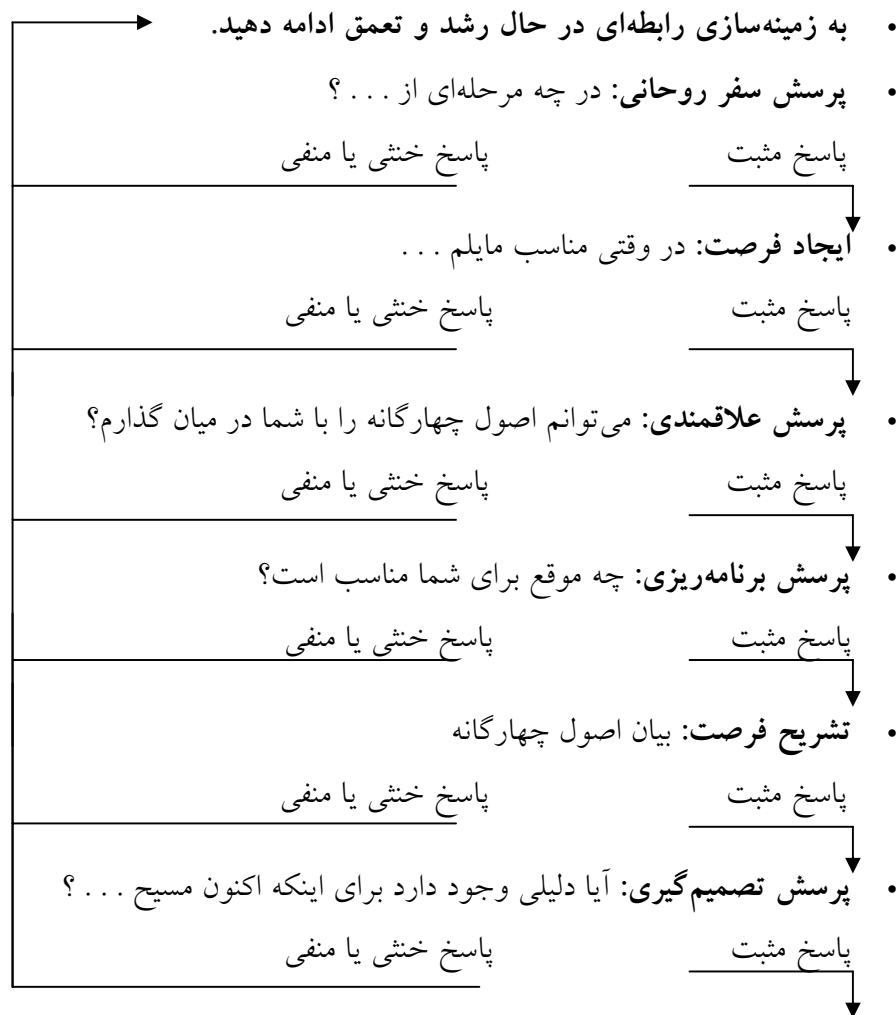
۳- آیا دلیلی وجود دارد برای اینکه نخواهی اکنون مسیح را بپذیری؟

دوست شما اکنون در مرحله تصمیم‌گیری است. اگر به مغالزه روح پاسخ مثبت دهد، با ایمان مطابق با انجیل واقعی عمل و در مسیح خلقتی نو خواهد گردید.

پرسش سفر روحانی، آزمون سنجش روحانی است. ایجاد فرصت، کاشتن بذر به بهترین شکل ممکن است (هرگز قدرت پیشنهاد را دست کم نگیرید). این سبب برانگیخته شدن حس کنجکاوی شده و اقدام عملی بعدی، یعنی راه‌حل بالقوه برای برخی مشکلات شخصی را فرارو قرار می‌دهد. پرسش علاقمندی روش شماسست برای تعیین اینکه آیا دوستان به ادامه گفتگو در مورد آن «اصول چهارگانه روحانی» (انجیل) علاقمند است یا خیر. بر فرض مثبت بودن جواب، پرسش برنامه‌ریزی چهارچوب زمانی معینی را در فرآیند تصمیم‌گیری قرار می‌دهد. «وقت مناسب» پنج شنبه آینده ساعت ۸ صبح می‌شود! سپس نوبت تشریح انجیل، پرسشهای تصمیم‌گیری و سپردن خود به مسیح می‌رسد!

بدیهی است که در هر مرحله از این سلسله مراتب گفتگو، ممکن است پاسخ منفی باشد. دوست شما ممکن است به مرحله ابراز علاقمندی به شنیدن «اصول چهارگانه» سر می‌برد، اما احتمال دارد وقتی از برنامه‌ریزی حرف به میان آید مردد شود. مضطرب نشوید. خدا را شکر کنید که او نسبت به ایده

بحث در مورد امور روحانی عکس‌العمل مثبت نشان داده است. خود را عقب کشیده، به دوستی خود با وی ادامه داده و مترصد فرصت بعدی باشید. من همسایه‌ای داشتم که مرا به خانه‌اش دعوت کرده و تقریباً با درماندگی گفت، "جو تو باید این اصول را به من بگویی." من چنین کردم. او اکنون برادری است در مسیح. جدول زیر کمک می‌کند فرد انتخاب‌های ممکن در هر مرحله را که با عکس‌العمل قید شده تعیین می‌گردند، ببیند. هنگامی که شخص به تصمیم‌گیری برای پذیرش مسیح نزدیک شود، کلید اصلی در این نقطه اعتماد به نفس است. ایمان داشته باشید و حقیقتاً منتظر این باشید که فرد به مسیح ایمان آورد. مطمئناً مشاهده کرده‌اید که در همان حال که شما با هم وقت می‌گذرانید خداوند در زندگی وی در حال کار بوده است. زمان شادی فرشتگان در آسمان فرارسیده است! در این نقطه، من کاملاً انتظار آنرا می‌کشم که خدا شخص را به نقطه نجات برساند.



- تصمیم: پذیرش مسیح
- کسب اطمینان و پیگیری

خوب، قبل از قرار ملاقات تعیین شده چه می‌کنید؟ با دعای زیاد شروع کنید. گرچه خداوند از عامل انسانی استفاده می‌کند، با این حال این خود خداست که افراد را بسوی خود می‌کشاند. اما فراموش نکنید... او شما را بکار می‌گیرد. وجود شما در فرآیند مهم است.

پس اگر ارائه خوب، منطقی و دقیقی از انجیل را فرا نگرفته‌اید، هر طور شده اینکار را انجام دهید. ممکن است در این مقطع بگویید، "من از روشها خوشم نمی‌آید، ترجیح می‌دهم فقط به روح خدا توکل کنم." عیب این استدلال در این است که «بدون روش» خود یک روش است. روش «بدون روش» است. مطمئناً ما با روش «خط تولید» مانع از کار خلاقانه روح القدس نمی‌شویم. اما نظم‌بندی منطقی عناصر اساسی انجیل به معنای حذف خلاقیت و گوناگونی در شیوه ارائه و تاکید نیست. من چهار قانون روحانی را صدها بار ارائه داده و مطمئنم هر بار متناسب با شرایط نقطه تاکید و محتوا ارائه تغییر کرده است. امید من این بوده که شیوه ارائه با نیازهای فردی مخاطب سازگاری داشته باشد. مطمئناً، تنوع در شخصیت‌ها، گوناگونی در روشهایی را می‌طلبد که از طریق آنها پیام انجیل با مردم مطرح می‌شود. با این وجود این واقعیت به هیچ وجه اسلوب بدقت برنامه‌ریزی را منع نمی‌نماید. روح القدس فقدان آمادگی و تفکر سطحی را تشویق نمی‌نماید. آفریننده فرآیند تفکر ما را چنان طراحی نموده که الگوهای منطقی خاصی را برای گفتگو دنبال کرده تا به نتایج منطقی برسیم. ارائه‌ای بی‌برنامه، شانسی و غیرمنطقی از انجیل هر دوی قوانین طبیعی و روحانی را بی‌حرمت می‌نماید. با وجود همه حرفهای دیگری که ممکن است گفته شود، خداوند بانی اغتشاش نیست. از سوی دیگر، منطق، زیرکی یا «قدرت متقاعدسازی» نمی‌توانند جایگزین روح القدس شوند. تفکر دقیق در طول ارائه به مخاطب القا می‌نماید که پیام مهم بوده و ارزش توجه را دارد. ویژگیهای یک روش خوب کدامند؟ من تعدادی از آنها را پیشنهاد می‌کنم.

- ۱- از لحاظ مطابقت با کتاب مقدس دقیق و متعادل است.
- ۲- ترتیب پیش رفتن آن منطقی بوده و گذار بین مراحل عمده بخوبی صورت گیرد.
- ۳- از لحاظ محتوا روشن بوده و از زبان کلیسایی ناآشنا اجتناب نماید.
- ۴- از لحاظ محتوا روشن بوده و در مورد گامهای عملی ضروری که شخص باید جهت پذیرش مسیح بردارد جای سؤالی باقی نگذارد.

۵- از لحاظ محتوای اصلی مثبت و منعکس‌کننده این واقعیت باشد که انجیل «خبر خوش» است.

۶- ساده باشد نه پیچیده.

۷- از لحاظ فرم‌بندی جذاب، دارای طراحی خوب، و در صورت چاپ قطعه ادبی با کیفیتی باشد.

اصولی برای یک ارائه شفاهی از انجیل

قبل از پرداختن به فرآیند واقعی در میان گذاشتن، مایلیم چند تا از اصول بنیادی گفتگو را ذکر نمایم. هنگام در میان گذاشتن انجیل، ما در واقع واقعیت‌های کتاب مقدس را به فوایدی برای انسان تبدیل می‌کنیم. عیسی مسیح نیامد تا جهان را محکوم نماید. در حالی که خبر خوش را می‌رسانید، این نکته را مدنظر داشته باشید. کلمه تبرئه، هنگامی که به زبان امروزی ترجمه شود، منافع انسانی فوق العاده‌ای را عرضه می‌دارد. علاوه بر تمهید خدا برای خلاص نمودن من از داوری، تبرئه کلید رهایی از گناه و تمامی انشعابات بین فردی آن است. مسیح هنگامی که در شخص ساکن شود، پاسخی است برای ضعف و بیهودگی حیات هر روزه فرد غیرایمانداران. بر این فواید تاکید نمایید.

مبشر کارآمد در جهت بنا نمودن فضای دلگرم‌کننده و تغذیه‌کننده برای گفتگو گام بر می‌دارد. فقط هفت درصد گفتگوی موثر کلامی است، سی و هشت درصد آهنگ صدا، و پنجاه و پنج درصد کاملاً غیرکلامی می‌باشد. اگر محیطی تدافعی ایجاد کنید، شخص غیرایماندار بیشتر وقتش را صرف تلاش برای دفاع از خود در مقابل شما و پیامتان خواهد نمود. از سکوت مقدس مآبانه، صدای روحانی یا لحن مذهبی بپرهیزید. شما قاضی یا عضو هیئت منصفه نیستید. گناهکاری هستید که به گناهکار دیگر نشان می‌دهد چطور می‌توان از چاه حیات آب بیرون کشید. رفتاری توأم با ملاحظه و توجه برای در میان گذاشتن خبر خوش الزامی است. اگر به فرآیند رساندن پیام به عنوان بحثی بین خود و یک ایماندار آینده بنگرید، این قضاوت ارزشی در منش، آهنگ صدا و رفتار شما منعکس خواهد شد. غیرایماندار دشمن نیست و مبشر نباید در جستجوی رسیدن به مرحله تصمیم‌گیری در قالب یک میدان کارزار باشد. اگر «پیروزی به هر قیمتی» آن چیزی است که برای ما ارزش دارد، این مسئله ضرورتاً راهی را که از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم، تحت تاثیر قرار خواهد داد. هدف ایجاد دوستی است نه پیروزی در بحث. بشارت کاری نیست که فرد مسیحی بر روی غیرایماندار به عنوان یک شیء انجام

دهد. معرفی مسیح کاری است که ایماندار برای غیرایماندار به عنوان دوست، محرم و راهنمای وی انجام می‌دهد.

مبشر کارآمد از طریق پرسیدن سؤالات و گوش دادن دقیق با همدلی گفتگو می‌کند. همدلی عبارت است از توانایی برای آنکه بتوان شهروند تبعه دنیای شخص دیگر شد. مبشر کارآمد از همدلی برای کمک به کشف مشکلات غیرایماندار و تدبیر نمودن راه‌حلهای دقیق انجیل بهره می‌گیرد. عموماً مردم از ایمان آوردن نمی‌ترسند، بلکه از «فروخته شدن» واهمه دارند. سؤالات ابزارهای تشخیصی ضروری هستند زیرا مردم فقط به جواب سؤالاتی که خودشان می‌پرسند گوش فرا می‌دهند. گفتگو کامل نیست مگر آنکه مخاطب با درک گوش فرا دهد. پرسشهای ما نه فقط کمک می‌کنند پرده از سؤالات و دغدغه‌های آنان برداریم، بلکه این واقعیت را نیز منتقل می‌سازند که ما به شخص اهمیت می‌دهیم. سؤالات با طراحی مناسب چنانچه به عنوان ابزار تشخیصی مورد استفاده قرار گیرند به توسعه تنش بین آنچه هست و آنچه باید باشد کمک می‌کنند. پرسشهایی که توسط روح جهت داده شده‌اند می‌توانند حس محکومیتی (تنش) را ایجاد نماید که غیرایماندار را بسوی یافتن راه‌حل انجیلی به حرکت در آورد. با گوش دادن دقیق و بکاربردن ماهرانه سؤالات، مبشر با همدلی گفتگو خواهد کرد. من دریافته‌ام که در مراحل اولیه در میان گذاشتن انجیل پرسشها موثرترین کاربرد را دارند. آنها ابزارهایی برای کمک به بحث و یافتن اطلاعات در مورد «وضعیت سفر روحانی» می‌شوند. به عنوان قانونی عمومی، هر چه در مراحل اولیه فرآیند بشارتی سؤالات بیشتری پرسیده شود، هنگامی که زمان در میان گذاشتن کلام انجیل فرا رسد به آنها نیاز کمتری خواهد بود. پرسشهای کلیدی ممکن است ماهها قبل از ارائه واقعی انجیل پرسیده شوند. این به ارائه واقعی کمک می‌کند زیرا غیرایماندار قبلاً «روز دادگاه خود را» گذرانده است. او فرصت آنرا داشته تا باورهای خود را در میان گذاشته و نظراتش را بیان نماید. حال نوبت سخن گفتن شماست، و از آنجایی که شما مدبرانه گوش داده و پرسشها را بکار برده‌اید، ارائه انجیل توسط شما اثر مضاعف خواهد داشت.

گفتگوی موثر بر اساس فروتنی و ملایمت ارزش‌گذاری می‌شود. اگر جواب سؤالی را نمی‌دانید، بگویید نمی‌دانید. ژست «من همه چیز را می‌دانم» بخود نگیرید. هدف بستن دهان غیرایماندار با واقعیات نیست. اغلب ما سعی می‌کنیم مطالب زیادی را با سرعت هر چه بیشتر بیان کنیم.

مبشر کارآمد هر چیز رنجش‌آوری (غیر از رنجش خود صلیب) را حذف می‌کند. برای تنفس نامطبوع، پوشش نامرتب، بوی بدن، و بهداشت فردی ضعیف هیچ عذری پذیرفته نیست. ملاحظاتی از قبیل نور

اتاق، تهویه و رعایت حریم خصوصی نباید از نظر دور بماند. عدم توجه به برنامه زمانی غیرایماندار نیز نادرست است. سر وقت حاضر شده و در زمان مناسب گفتگو را پایان دهید. فرض کنیم شما با دوست خود هستید و آماده‌اید بحث را از یک صحبت کوتاه معمولی به مسائل روحانی تغییر دهید. پیشنهادات زیر فقط «پیشنهادات» هستند. شما باید به ارائه‌ای از انجیل دست یابید که فراخور حال شماست.

یک گزار

اولین چالشی که با آن مواجه می‌شوید تغییر دادن بحث به مسائل روحانی است. «نهضت دانشگاهی برای مسیح» روشی دارد که اغلب من بکار می‌برم. «درست همانطور که قوانین فیزیکی وجود دارد که بر جهان فیزیکی حاکمند، قوانین روحانی نیز وجود دارند که رابطه ما با خدا را تحت کنترل خود دارند. بیل، مایلم چهارتا از این اصول را با تو در میان گذارم.» من اغلب توضیح می‌دهم که صرف‌نظر از اینکه من قانون جاذبه را باور داشته باشم یا نه، اگر از پنجره به بیرون بپریم به آن معتقد خواهیم شد. تشخیص واقعیت را تعیین نمی‌کند. چه من تشخیص بدهم یا ندهم، جهان ما با قوانین فیزیکی و روحانی کنترل می‌شود. انکار این حقایق توسط من واقعی بودن آنها را تغییر نمی‌دهد.

کاغذ و قلم

من در واقع ترجیح می‌دهم این قوانین (اصول اساسی انجیل) را روی تکه کاغذی بنویسم. این روش مزایای متعددی دارد. اول، از خواندن یک کتابچه شخصی‌تر است. دوم، توجه شخص را بر روی آنچه شما انجام می‌دهید متمرکز می‌نماید. سوم، به شما کمک می‌کند ارائه خود را شخصی کنید. پس می‌توانید جداول، دیاگرام یا تصاویر اضافی بدان بیفزایید. چهارم، وقتی کارتان با آن تمام شد می‌توانید ورقه کاغذ را به شخص بدهید. اگر اینکار را نکنید، بسیاری از مردم خود آنرا خواهند خواست. این کاغذ برای بسیاری از آنها مدرکی ارزشمند، نوعی «گواهی تولد» خواهد شد. افرادی بوده‌اند که سالها بعد از آنکه در مورد مسیح با آنان صحبت کردم کتاب مقدس خود را باز کرده و «گواهی» خود را به من نشان داده‌اند. در دنیایی که قالب همه چیز از پیش تعیین شده، افزودن لمسی شخصی جالب خواهد بود (به فرض آنکه نوشته شما خوانا باشد).

سوالات را نگه دارید

حال هنگام حرف زدن شماست. شما به دوست خود اجازه دادید سفر روحانی خود را با شما در میان گذارد. سوالاتی پرسیده و به دقت گوش فرا داده‌اید. اگر سوالی پیش آمد از آن تعریف کنید. "بیل، این سوال بسیار عمیقی است." بجای متوقف کردن قطار فکر با یک پاسخ، پیشنهادی را مطرح کنید. "بیل، ایرادی ندارد این سوال را نگه داریم برای وقتی که من صحبت در مورد بقیه این اصول را تمام کردم؟ مطمئنم به سؤال تو پاسخ داده خواهد شد. اگر نه، بعداً با کمال میل به آن جواب خواهم داد." وقتی که عصاره انجیل بروشنی معرفی گردد، سوال بتعویق افتاده بندرت دوباره پیش کشیده می‌شود. بدیهی است که گاهی به تعویق انداختن سوال غیرممکن است. اگر چنین موردی پیش آید، مختصراً جواب داده و بحث را ادامه دهید.

آیات مربوطه را خوانده یا نقل نمایید

کلام خدا سریع و پر قدرت است. آنرا بکار برید. چنانچه ممکن باشد، بگذارید در همان حال که شما می‌خوانید دوستان با شما متن را ببینند. این برای شما بسیار لذت‌بخش خواهد بود زیرا در واقع تجربه می‌کنید چطور روح خدا کلام مقدسش را برای هدایت مردم بسوی عیسی مسیح بکار می‌برد. شما را از استفاده بیش از حد از متن کلام برحذر می‌دارم. به محض آنکه منظور خود را رساندید، بحث را ادامه دهید.

دوباره بزر بکارید

دلم می‌خواهد اقدام مناسب و مورد انتظاری که لازم است بارها در طول معرفی انجیل تکرار شود را پیشنهاد کنم. "بیل، وقتی زندگی خود را به مسیح بسپاری، معنای داشتن آرامش الهی را کشف خواهی کرد." "وقتی مسیح را بپذیری متوجه خواهی شد که خدا ترا قادر می‌سازد از لحاظ ارتباط در خانواده رشد کنی." "وقتی مسیح قسمتی از حیات تو شود، خلاء خداگونه در زندگیت پر خواهد شد. . . ." و غیره. این به دوست شما اجازه می‌دهد که بداند اقدام مناسب و مورد انتظار چیست. این‌ها از طرف شما این اطمینان را انتقال می‌دهد که او باید تصمیم بگیرد و اینکار را خواهد کرد. پیام کلامی (علم

معانی) ما لازم است توسط پیام غیرلفظی مان تقویت شود. اگر ما بطور غیرلفظی ترس، عدم قاطعیت و عدم اطمینان را القاء کنیم دوستان پیام‌های متناقضی را دریافت خواهد کرد.

انتظار دریافت عکس‌العملی مطلوب منطقی است. اگر رابطه دوستانه را بخوبی تغذیه و غرق در دعا کرده باشیم، آیا توقع دیگری باید داشت؟ آیا زمینه‌ها مساعد است یا خیر؟ اگر تا به زانو در زمینه مساعد غرق هستید، تردید چرا؟ مسیحیان زیادی، مانند کبک در حکایات، از ترس سر خود را زیر برف پنهان می‌کنند. پیشنهاد چند باره گام عملی نیز شخص را برای دعوت آتی جهت سپردن خود به مسیح مهیا می‌نماید. در موارد بسیار زیادی فرد چنان توسط خدا مستعد می‌گردد که دیده‌ام قبل از آنکه معرفی انجیل را به پایان برم، از من می‌پرسد، "خوب، چطور باید خداوند را دریافت نمود؟"

مزیت دیگر بذر کاشتن‌هایی از قبیل «چه موقع . . .» این است که اعتماد به نفس خود شما را بالا می‌برد. برای اغلب مسیحیان مشکل‌ترین بخش بشارت انجیل دعوت شخص برای سپردن زندگی خود به مسیح است. کشت بذر سبب می‌شود گذار به این بخش حیاتی خبر خوش سهل‌تر و کمتر رعب‌آور گردد.

آوردن مثل‌های مشابه

مثل‌های مشابه مثل‌هایی از این قبیل هستند: «حرف حساب را باید قبول کرد». چون شما از برخی نیازهای دوست خود آگاهید، می‌توانید نمونه‌هایی را مطرح کنید که در آن افراد دیگر با احتیاجات مشابه پاسخ نیاز خود را در مسیح یافته‌اند. فرض کنید بیل در ابراز محبت و عاطفه خود مشکل داشته و شما شاهد بوده‌اید که او از این لحاظ در زحمت است. بدون اشاره به احتیاج او، ممکن است پیشنهاد کنید، "بیل، یکی از دوستانم که زندگی زناشویی‌اش به مشکل برخورد بود پیش من آمده و مسئله خود را مطرح کرد. به او گفتم که ارتباط با مسیح می‌تواند سبب تغییر چشمگیری شود. او مسیح را پذیرفته و شرایط شروع به عوض شدن نمود. او هنوز تمام مشکلات خود را حل نکرده، لیکن امید تازه‌ای یافته است. ایمان دارم وقتی مسیح را بپذیری از مشاهده تغییراتی که او در زندگی تو ایجاد می‌کند غرق در شادی خواهی شد."

تبارب شفصی را در میان گذارید

از ذهنیت قدیمی «قبل از مسیحی شدن جانوری چموش بودم و حال قدیسی استثنایی شده‌ام» پرهیزید. در بهترین حالت فقط نصف این ادعا صحت دارد. در این مقطع صداقت بسیار حائز اهمیت است. از تمامی وسوسه‌ها برای نورانی بنظر آمدن اجتناب کنید. پیشرفتی که حاصل کرده‌اید اطلاعات مناسب برای در میان گذاشتن را فراهم می‌کند. اما این ذهنیت را ایجاد نکنید که تازه‌کار هستید. شما تازه از گرد راه نرسیده‌اید. این حقیقت که شما در حال پیشروی به سوی هدفی واحد هستید برای بسیاری خبر خوش است. اگر آنها دوستان واقعی باشند قبلاً متوجه شده‌اند که شما راه خود را پیدا کرده‌اید.

تجرباتی که آنها خود را در آن بیابند بویژه ارزشمند هستند. اگر فرد با مسئله سپردن زندگی خود به مسیح دست به گریبان است، ترسها و بیم‌هایی را که خود هنگام نزدیک شدن به نقطه تصمیم داشتید با او در میان گذارید (به فرض اینکه چنین ترسهایی وجود داشته‌اند).

طبیعی رفتار کنید

نمی‌دانم چطور می‌توانم بر این مسئله به اندازه کافی تاکید کنم. آرام باشید. خداوند خودش مردم را بسوی خود می‌کشد، اما از طریق شما. خود را در مقابل «افراط» (کلمه مورد علاقه پسر) تجهیز نمایید. این بدان معنا نیست که باید کوه یخ باشید. خودتان باشید و با دوست خود حرف بزنید (از موعظه، بازی با کلمات یا تقلا کردن پرهیزید). منظورم به هیچ وجه این نیست که باید تشریفاتی و مقدس‌مآب باشید. شوخ‌طبعی می‌تواند برای از بین بردن تنش بسیار مفید باشد. از آن حکیمانه بهره گیرید. اشک؟ چرا که نه؟ این موقعیتی شادی‌بخش است. من اغلب خود را در حال پاک کردن قطرات اشک شوق می‌یابم. پسر گمشده در حال بازگشت به خانه است. جلال بر نام خداوند!

از تگدار و بازنگری برای اثرگذاری بهره گیرید

صرف‌نظر از برنامه‌ای که بکار می‌برید، وقتی یک مرحله را تمام کردید، آنرا بازنگری و سپس مرحله بعد را آغاز کنید. "بیل، تا اینجا، دیده‌ایم که خداوند واقعاً ترا دوست دارد. تو برای او خاص هستی." پیش از آنکه مرحله اصلی بعدی را شروع کنید، سریعاً دو تایی قبلی را مرور کنید. این حقیقت را تقویت و درک را بالا می‌برد.

روش ارائه خود را متناسب با نیازهای مخاطب تنظیم کنید

اگر بدلیل احساس گناه شدید و عدم امنیت خاطر فرد نیازمند کسب اطمینان مجدد در مورد محبت خداست، وقت بیشتری را صرف روشن نمودن این مطلب کنید. اگر گناه پیشاپیش او را از پای در آورده، به زخم او نمک نپاشید. کسی که شناخت اندکی در مورد مسیح دارد شاید نیازمند آن باشد که شما درک عمیقتری نسبت به شخصیت بی نظیر عیسی مسیح را با وی در میان گذارید. ممکن است لازم باشد بیشتر وقت خود را صرف تشریح شخصیت و اعمال او نمایید. برای دیگرانی که احساس می کنید بی همانند بودن مسیح را درک می نمایند، لیکن هرگز به او لیبک نگفته اند شاید باید بیشتر هم و غم شما صرف نیاز آنان به پذیرفتن مسیح به عنوان منجی گردد. گاهی این تطابقات به فرم نقل قولها یا بیان نظرات محققین برجسته یا رهبران صورت می گیرد. شروع کنید به جمع آوری و حفظ کردن آنها. من از اغلب شخصیت‌های برجسته تاریخی بیاناتی را در مورد عیسی مسیح به خاطر سپرده‌ام. اینها بر غرور فکری فردی که در مورد تسلیم شدن به مسیح با خود کلنجار می رود تأثیر ویژه دارند. کتاب جاش مک داوول تحت عنوان «شواهدی که رأی را می طلبند» پر است از اینگونه بیانات ارزشمند.

فرصتی را برای تسلیم شدن به مسیح ایجاد کنید

زمان آن رسیده که از فرد بخواهید خود را بسپارد. پرسشهای تصمیم‌گیری طریق مفیدی را فراهم می آورند تا اینکار تجربه‌ای موثر و مثمرتر گردد.

۱- آیا این صحبتها منطقی بنظر می رسد؟

۲- بر این اساس، آیا زندگی خود را به مسیح سپرده‌ای؟

۳- دلیلی وجود دارد برای اینکه نخواهی همین الان به مسیح اعتماد کنی؟

سؤال اول به شما کمک می کند دریابید آیا دوستتان ارائه اصول انجیل را درک کرده یا نه. پرسش دوم ارزیابی دوستتان را در مورد رابطه اش با عیسی مسیح به شما نشان می دهد. سومین سؤال اهمیت خاص دارد. دقت کنید که این سؤال نمی پرسد آیا او می خواهد مسیح را بپذیرد. چنان سؤالی جواب «بله» یا «نه» را بدنبال خواهد داشت. در عوض، می پرسد آیا دلیلی وجود دارد برای اینکه شخص غیرایماندار نخواهد به مسیح ایمان آورد. در این مقطع، شما باید انتظار پریشان شدن او را داشته باشید. چنانچه به دعا برای دریافت مسیح اشاره کنید بسیاری از غیرمسیحیان مضطرب می شوند. آنها خیلی تجربه دعا

ندارند و از دستپاچه شدن بیم دارند. من بیان این نکته را مفید یافته‌ام: "بیل، من در مورد مسیح با افراد زیادی صحبت کرده‌ام، و متوجه شده‌ام گاهی برای آنها دعا کردن کاری عجیب بنظر می‌رسد. این مسئله برای من قابل درک است، با این وجود کلمات اهمیتی ندارند. خداوند می‌داند در قلب تو چه می‌گذرد. اگر این گفته‌ها بنظر تو قابل قبول می‌آید، با صدای بلند دعا می‌کنم، و اگر آنچه در دعا می‌گویم بیانگر احساس توست، می‌توانی بعد از من دعا با صدای بلند آنرا تکرار کنی. آیا این منطقی است؟" اگر جواب مثبت باشد، من معمولاً دعا را به صورت جمله به جمله هدایت می‌کنم. اغلب شخص نظرات خود را بدان می‌افزاید. اینها لحظات نابی هستند. چه لذتی است در اینکه دوست خود را بسوی مسیح هدایت کنی.

ایبار اطمینان و پیگیری

در بیشتر مواقع ارائه انجیل جهت اطمینان دادن به فرد در مورد واقعی بودن تولد تازه راههای ساده‌ای را به همراه دارد. من آنها را تکرار نمی‌کنم. پیگیری نیز شادی‌بخش است زیرا دوستان از گذراندن وقت با هم لذت می‌برند. مجدداً، کتابهای خوبی در مورد پیگیری در دسترس هستند. برای یافتن کتاب مناسب با شبان خود مشورت کنید.

از اینجا به کجا خواهید رفت؟ اگر من به نوشتن ادامه دهم وقتی برای شما باقی نخواهد ماند. دست از نوشتن در مورد بشارت بر می‌دارم تا شما انجام آن را شروع کنید. شما را در جلال سماوی خواهم دید. وقتی به آنجا رسیدیم مرا به همسایه خود معرفی کنید. به فیض خدا شما نیز تعدادی از همسایه‌های مرا ملاقات خواهید کرد.

شکل بخشی به پاسخ

۱- دوباره به رومیان ۱۰: ۸-۱۵ نگاه کنید. این آیات در مورد اهمیت نقش بشارت ایمان خود به دوستانمان چه می گوید؟ خواندن آن چگونه سبب تشویق شما می شود؟

۲- در مقاله آلد ریچ چه نکاتی مفیدی وجود دارد که به تشخیص وضعیت دوستان خود از لحاظ پذیرا بودن نسبت به پیام انجیل کمک می کند؟

۳- چگونه می توانید پرسشها و بیاناتی را که آلد ریچ بکار می برد تا آمادگی فرد برای شنیدن پیام انجیل را امتحان کند، ساده نمایید؟ سعی کنید برخی از این پرسشها را جوری بازنویسی کنید که بنظر طبیعی بیایند.

۴- کدامیک از پیشنهادات مربوط به ارائه انجیل برای شما مناسب و مفید بودند؟ چگونه می توانید از این اصول متناسب با روش بشارتی خود بهره گیرید؟

۵- در مورد احتمال در میان گذاشتن انجیل با مستعدترین دوستانتان چه احساسی دارید؟ هنگام در نظر گرفتن این احتمال چه ترسهایی به سراغتان می آید؟

۶- در مورد دوستان بی ایمانی بیندیشید که برایشان دعا کرده و با آنان ارتباطاتی را بنا نموده اید. کدامیک از آنان احتمالاً به شنیدن پیام انجیل علاقمندتر شده است؟ برای کمک فهرست هفت سوالی را که آلد ریچ در ابتدای مقاله می پرسد مرور کنید.

۷- به منظور انجام آزمون و تشخیص اینکه آیا دوستان علاقمندی که شناسایی نموده‌اید آماده‌اید آمادگی شنیدن انجیل را دارند یا نه، چطور با آنها گفتگو خواهید کرد؟ تا آنجا که می‌توانید بطور خاص جواب بدهید.

بحث موضوع

۱- چرا قبل از بشارت دادن به دوستان در مورد مسیح، تشخیص آمادگی آنان جهت شنیدن انجیل اهمیت دارد؟ رومیان ۱۰ چگونه اینرا تایید می‌کند؟

۲- چه اصول یا نگرشهایی را از روش پولس برای در میان گذاشتن داستان خود و حقیقت مسیح با آغریا آموختید؟

۳- کدامیک از پیشنهادات آلدریچ در مورد تشخیص پاسخگویی روحانی و پذیرا بودن نسبت به پیام انجیل را مفید یافتید؟

۴- از میان پیشنهادات مطرح شده در مورد نحوه ارائه انجیل کدام یک برای شما جالبتر بود؟ این پیشنهادات چطور می‌توانند توسط افراد با روشهای بشارتی متفاوت تعدیل گردند.

۵- هنگامی که بشارت ایمان خود به دوستان علاقمند را بیاد می‌آورید چه احساسات و افکاری به سراغتان می‌آیند؟

۶- هنگام در میان گذاشتن ایمان خود با دوستانتان، دانستن اینکه در هماهنگی با روح القدس عمل می‌کنید چگونه شما را در غلبه بر ترسها یا احساس عدم کفایت یاری می‌نماید؟

۷- اسم دوستانی که احساس می‌کنید احتمال دارد پذیرای پیام انجیل باشند را با گروه در میان گذارید. بررسی کنید که چطور می‌توان پذیرا بودن آنها نسبت به مسیح را امتحان نمود.

۸- وقتی را به دعای جمعی گذرانده، از خدا بخواهید هنگامی اعضاء گروه آمادگی دوستانشان برای شنیدن انجیل را در نظر می‌آورند، به آنان دلیری و هوشیاری عطا نماید. برای دوستانی که بدانها بشارت داده خواهد شد نیز دعا کنید.

گامهایی به جهت اطاعت

۱- بحثی که روی این مطلب داشتیم، فکر اصلی و باور اولیه‌ای را که در مورد این مطلب داشتید، چگونه عوض کرده است؟ افکار خود را در زیر خلاصه کنید.

۲- چگونه می‌خواهید این مطلب را به کار بندید (کی، چه کسی، کجا، و غیره)؟

۳- خود را متعهد کنید: در رابطه با موضوع اهداف ایمان برقرار، و آن را با گروه و یا سرگروه خود در میان گذارید.

با کمک خدا، من: